

Predicting Social Adjustment and Social Desirability Based on Attachment Styles among Female 10-12 year-old Elementary Students in Tehran

Elham Ghorbanian. M.A.

counseling, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Hadi Mohammadlo. M.A.

counseling, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Mehdi Khanbani. Ph.D.

Academic member. University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Mojtaba Yousefikia. M.A.

counseling, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Abstract

This study aimed at predicting social adjustment and social desirability based on attachment styles among 10-12 year-old elementary students. The research design was correlational. The population included all 10-12 year-old elementary school female students in Tehran in 1393. In so doing, 205 students were selected through multi-stage random cluster sampling. The instruments were Attachment Scale in Middle Childhood Questionnaire (Ronaghi & et al, 1392), Matson Evaluation of Social Skills (1983) and Social Acceptance Test (Ford & Robin, 1970) in children. Data were analyzed by simultaneous regression analysis. The results showed that attachment styles could predict social adjustment and social desirability of students significantly ($P < 0.05$), ($P < 0.001$).

Keywords: attachment styles, elementary school, female students, social adjustment, social desirability.

پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی براساس سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان دختر ۱۰-۱۲ ساله دوره ابتدایی شهر تهران

الهام قربانیان*

کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

هادی محمدلو

کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مهدی خانبانی

عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مجتبی یوسفی‌کیا

کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان دختر از طریق سبک‌های دلبستگی است. طرح پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری همه دانش‌آموزان دختر ۱۰ تا ۱۲ ساله دوره ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ بودند. نمونه‌ای شامل ۲۰۵ دانش‌آموز دختر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسشنامه مقیاس دلبستگی در کودکی میانه (رونقی و همکاران، ۱۳۹۲)، مهارت‌های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳) و مقبولیت اجتماعی فورد و رابین (۱۹۷۰) کودکان بودند. داده‌ها از طریق تحلیل رگرسیون همزمان تحلیل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد سبک‌های دلبستگی به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی متغیرهای سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی در دانش‌آموزان هستند ($P < 0/05$) و ($P < 0/001$).

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، دانش‌آموزان دختر، دوره ابتدایی، سازگاری اجتماعی، مقبولیت اجتماعی.

* نویسنده مسؤل: elham.gh460@yahoo.com

پذیرش ۹۵/۲/۲۵

وصول ۹۴/۵/۵

مقدمه

اجتماعی شدن، یک فرایند دوجانبه ارتباطی میان فرد و جامعه است و در طول حیات انسان این فرایند در دو مقوله یادگیری و یاد دادن ادامه می‌یابد (آذین و موسوی، ۱۳۹۰). با توجه به فرایند اجتماعی شدن و مراحل این فرایند، (شرودر و گوردون، ۲۰۰۵) دوره کودکی را فشرده‌ترین دوره اجتماعی شدن و یکی از مهمترین دوره‌های تحول می‌دانند. چون بسیاری از قابلیت‌های کودک در همین دوران پی‌ریزی می‌شود. کودکان در این سنین، رفته‌رفته تعامل‌های اجتماعی کارآمدتری با همسالان برقرار می‌کنند و برای همراهی و تعاملات اجتماعی، وابستگی آنها به والدین به تدریج کمتر و در مقابل به همسالان بیشتر می‌شود. یکی از جنبه‌هایی که کودکان تفاوت زیادی با یکدیگر دارند، کارآمدی اجتماعی و پذیرش از سوی همسالان است. مقبولیت و پذیرش اجتماعی همان گرایش به پاسخ دادن به شیوه‌ای است که فرد بهتر به نظر دیگران برسد (راگازینو، ۲۰۰۹). پذیرش همسالان و مقبولیت اجتماعی، نقش مهمی در رشد شخصیت اجتماعی کودک دارد و پیش‌بینی‌کننده سازگاری بعدی در دوره نوجوانی است (موریسون و ماتسن، ۱۹۹۱؛ به نقل از دادستان، عسکری، رحیم‌زاده و بیات، ۱۳۸۹). پژوهش‌ها نشان دادند که مقبولیت اجتماعی، تحت تأثیر عوامل گوناگونی از جمله سبک دلبستگی دوران کودکی، همرنگی با هنجارهای گروه همسال، شخصیت و مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس و خودپنداره، متناسب عمل کردن در موقعیت‌های گوناگون است. کودکانی که از دوستان خود حمایت می‌کنند و توانایی برقراری ارتباط با همسالان خود را دارند و مطابق با هنجارهای گروه همسالان رفتار می‌کنند، از مقبولیت اجتماعی بالایی برخوردار می‌شوند (مگنوس، ویسوران و جوزف، ۲۰۰۶). کودکانی که موفق به کسب پذیرش همسالان نمی‌گردند و از سوی آنها طرد می‌شوند با مشکلات زیادی از جمله عملکرد تحصیلی ضعیف، عزت نفس پایین، فرار از مدرسه، ترک تحصیل (شیربلا و درستن، ۲۰۰۲؛ ایویلز و اندرسون و داویلا، ۲۰۰۵؛ به نقل از دادستان و همکاران، ۱۳۸۹) رفتار ضداجتماعی، و بزهکاری در نوجوانی و مجرمیت در اوایل بزرگسالی روبه‌رو می‌شوند (واگنر، ۲۰۰۸؛ سادوک و

سادوک^۱، ۱۳۸۹). به‌طور کلی، کودکانی که مورد علاقه همسالان قرار نمی‌گیرند، بیش از حد معمول ستیزه‌جو، عصیانگر و نامتعادل بوده و بر سازگاری اجتماعی آنان تأثیر منفی می‌گذارد (کارتلج و میلبرن^۹، ۱۹۸۵).

شاید بتوان گفت که رشد اجتماعی، مهمترین نشانه سلامت روان است. معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی هرکس، میزان سازگاری او با دیگران است (مظاهری، باغبان و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۵). سازگاری اجتماعی، سازگاری شخص با محیط است و این سازگاری ممکن است با تغییر دادن خود یا محیط به دست آید (شاملو، ۱۳۸۴). سن ۸ تا ۱۲ سالگی مهمترین سن در زمینه کسب مهارت سازگاری اجتماعی است (روشه، ۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مهمی در بروز سازگاری نقش دارند که یکی از این عوامل، پاسخ‌دهی والد به نیازهای کودک در دوران کودکی است که به تشکیل سبک‌های دلبستگی در کودک منجر می‌شود (بالبی^{۱۱}، ۱۹۸۰، به نقل از امانی، اعتمادی، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۹۱). دلبستگی یک پیوند محبت عمیق و پایدار است که فردی را به فرد دیگر در زمان و مکان مرتبط می‌کند که در واقع رابطه عاطفی پایدار میان دو انسان است (برگین^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ اکه^{۱۲}، ۲۰۱۲). بالبی (۱۹۸۳) در نظریه دلبستگی بیان می‌کند که روابط کودک با مراقبان (مادر یا جانشین مادر) در سال‌های اولیه زندگی به تشکیل الگوهای روانی خاصی منجر می‌شود که مبنای روابط بین فردی در بزرگسالی است. طبق نظریه دلبستگی، کودک به هنگام آشفته‌گی، از والدین خود در قالب پناهگاهی امن و به هنگام اکتشاف از آنها به‌عنوان پایگاهی ایمن استفاده می‌کند. متأسفانه برای تمامی کودکان، والدین به‌عنوان پناهگاهی امن و پایگاهی ایمن نقش نمی‌کنند و در نتیجه کودکان از کیفیت‌های دلبستگی متفاوتی برخوردار خواهند بود (کسیدی^{۱۳}، ۲۰۰۸).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند تعامل مناسب و شایسته والد - کودک و وجود فضای ایمن بین آن دو باعث احساس ایمنی و اعتماد بیشتر در کودک می‌شود و این به او کمک می‌کند تا بتواند والدین، به‌خصوص مادرش را به‌عنوان پایگاهی ایمن بداند؛ به این معنا که ایمنی و آرامش مورد نیاز را از او به دست آورد و به هنگام احساس خطر و ترس و نایمنی به او

1. Shroeder & Gordon
3. Mourison & Matson
5. Shirilla & Weatherston
7. Vanwagner
9. Cartledge & Milburn
11. Bergin
13. Cassidy

2. Ragozzino
4. Magnus, Viswesvaran & Joseph
6. Aviles, Anderson & Davila
8. Sadock & Sadock
10. Bowlby
12. Ekeh

ضداجتماعی و اختلال سازگاری بوده است. پژوهش (سیلورتون و گکوسکی^۹، ۱۹۹۵؛ به نقل از لیری و هوپلی^۱، ۲۰۰۹) که بر مبنای تحلیل رگرسیون انجام شد، نشان داد که مقبولیت اجتماعی رابطه قوی با نمرات مقیاس سازگاری داشته است. مطالعات (هاو و تاشار^{۱۱}، ۱۹۹۶؛ پاترسن، ۱۹۹۱؛ به نقل از یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۲) نیز نشان دادند، کودکان و نوجوانانی که از رشد اجتماعی و سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، مقبولیت بالاتری در بین همسالان دارند.

از آنجا که سبک دلبستگی ناایمن در کودکان و نوجوانان با عملکرد روان‌شناختی ناکارآمد آنها ارتباط دارد، این امر به سهم خود در مقبولیت اجتماعی کودک (صالح صدق‌پور، محمودیان و سلیمانان، ۱۳۸۸)، تأثیرگذار است و از سویی دیگر در میان گستره وسیعی از پژوهش‌ها، والدین عامل مهمی در رشد و تحول شخصیت و تغییر رفتارهای ضد اجتماعی کودک در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به همین نکته، به نظر می‌رسد که لازم است والدین و به‌خصوص مادر از شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی که به ارتقای بهداشت روانی کودک و عملکرد بهتر او در ارتباط با همسالان و سازگاری و کفایت اجتماعی و یادگیری بهتر منجر می‌شود، آگاه گردند. این پژوهش نیز با همین هدف، به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان به اجرا در آمد. فرضیه‌های پژوهش نیز به این شرح بود:

- ۱- سبک دلبستگی ایمن، قادر به پیش‌بینی مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان دختر است.
- ۲- سبک دلبستگی ناایمن، قادر به پیش‌بینی مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان دختر است.
- ۳- سبک دلبستگی ایمن، قادر به پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر است.
- ۴- سبک دلبستگی ناایمن، قادر به پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش همه

پناه برد و به‌طور کلی به اتکای وجود چنین پایگاهی به اکتشاف دنیای بیرون و گسترش مهارت‌ها و توانایی‌های جدید قدم بردارد (کسیدی و شاور^۱، ۲۰۰۸؛ کسیدی، جونز و شاور، ۲۰۱۳). با داشتن تجربیات متعدد و موفق، کسب آرامش و امنیت از یک مراقب حساس و پاسخگو، کودک خود را قادر به تنظیم هیجانات و توسعه مقبولیت اجتماعی و سازگاری اجتماعی می‌کند (آلن، تایمر و آرکوزیا^۲، ۲۰۱۴). هنگامی که در روابط احساس امنیت وجود داشته باشد، کودکان بهتر می‌توانند دست نیاز به سوی دیگران دراز کرده، تا از آنها حمایت کنند و با تعارض و استرس به‌گونه‌ای مثبت روبه‌رو شوند. بنابراین سازگاری کودک با بافت‌های جدید تسهیل می‌شود و این‌گونه روابط، شادتر، پایدارتر و سازگارانه‌ترند (آکگون و ملیر^۳، ۲۰۱۵). همچنین کودکان با داشتن دلبستگی ایمن و به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی، می‌توانند جایگاه خود را در میان مرادوات اجتماعی و ارتباط با همسن‌های خود و بزرگسالان پیدا کنند و مورد پذیرش اجتماعی قرار گیرند و موفقیت در امر پذیرش و مقبولیت اجتماعی به سازگاری اجتماعی منجر می‌شود (فریلیچ و شچمن^۴، ۲۰۱۰).

عجیب نیست که تلاش برای افزایش صلاحیت و مقبولیت اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و کیفیت روابط، عنصری مهم در درمان و پیشگیری از بسیاری از مشکلات سلامت روانی است. بررسی متون پژوهشی ارتباط میان سبک‌های دلبستگی و سازگاری را که نتیجه آن مقبولیت اجتماعی بیشتر در موقعیت‌های گوناگون است، نشان می‌دهد. نتایج پژوهش کوباک و اسکری^۵ (۱۹۸۸) نشان داد افراد دارای سبک دلبستگی ایمن مشکلات سازگاری کمتری دارند. پژوهش (رایس و میرزاده، ۲۰۰۰)، از رابطه دلبستگی با عملکرد و رفتار سازگارانه در مدرسه حاکی بوده است. تعدادی از مطالعات نیز نشان می‌دهد که کودکان دارای سبک دلبستگی ناایمن در مقایسه با کودکان ایمن، از سازگاری روانی، اجتماعی و هیجانی کمتر بهره‌مند بوده و از پریشانی روانی (مانند افسردگی و استرس) بیشتری رنج می‌برده‌اند (ویونا^۶، ۲۰۰۰؛ لاروس و بویون^۷، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش (روزن اشتاین و هروویتز^۸، ۱۹۹۶) نشان‌دهنده رابطه میان دلبستگی و آسیب‌های روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب، اختلال شخصیت

1. Shaver
3. Akgun & Mellier
5. Kobak & Sceery
7. Larose & Boivin
9. Silverthorn & Gekoski
11. Hawe & Tashar

2. Allen, Timmer & Urquzia
4. Freilich & Shechtman
6. Vivona
8. Horowitz
10. Leary & Hoyle

نیستند که مادرشان مریض شود چون می‌دانند که او دوباره خوب می‌شود. ب) ولی بعضی‌های دیگر همیشه نگران هستند که مادرشان مریض شود یا بمیرد.

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون^۱ (۱۹۸۳): مقیاس سنجش مهارت اجتماعی کودکان را ماتسون و همکارانش در سال ۱۹۳۸ برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ سال تدوین کرده‌اند. پاسخ‌های داده شده به این مقیاس براساس شاخص ۵ درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت با دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری شده است. این مقیاس شامل ۵۶ عبارت است که مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و رابطه با همسالان را می‌سنجد (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱). پژوهش‌هایی که خارج از کشور در مورد این مقیاس انجام شده نشان می‌دهد که این مقیاس از همسانی درونی، پایایی و بازآزمایی بالا و روایی افتراقی قابل قبولی برخوردار است (ماتسون، اسولت و کازدین^۲، ۱۹۸۳). در ایران مقیاس مهارتی اجتماعی ماتسون را، یوسفی و خیر (۱۳۸۱) بر روی ۵۶۲ دانش‌آموز دختر و پسر در شهر شیراز بررسی کرده‌اند که روایی آن مطلوب و مناسب و همچنین پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ گزارش شده است. میزان ضریب آلفای کرونباخ این پژوهش برای کل مقیاس ۰/۷۸ بود. دو نمونه از سؤالات پرسشنامه عبارت است از: ۱- من به دوستی که رنج دیده باشد، کمک می‌کنم. ۲- من به سراغ دیگران می‌روم و سر صحبت را با آنها باز می‌کنم.

پرسشنامه مقبولیت اجتماعی فورد و رابین^۳ (۱۹۷۰) کودکان: شکل اصلی این مقیاس ۲۸ پرسش دارد و فورد و رابین (۱۹۷۰) به منظور اندازه‌گیری نیاز به تأیید اجتماعی در کودکان آن را ساخته‌اند. دامنه نمرات آن از ۰ تا ۲۸ است. آنها همسانی درونی را برای کودکان دبستانی دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۹ گزارش کردند و پایایی به روش بازآزمایی پس از پنج هفته ۰/۵۸ به دست آمد. اعتبار همزمان پرسشنامه را نیز براساس بهره هوش کلامی محاسبه کردند که همبستگی معنادار دو متغیر را نشان می‌دهد. سموعی و همکاران (۱۳۸۴) پرسشنامه ۲۸ سؤالی فورد و رابین را بررسی کردند. همسانی درونی پرسش‌ها حکایت از آن داشت که تعدادی از پرسش‌ها با نمره کل همبستگی ندارد، بنابراین از پرسشنامه اصلی حذف شدند و شکل نهایی پرسشنامه با ۱۷ سؤال ۳ گزینه‌ای بله، تا

دانش‌آموزان دختر ۱۰ تا ۱۲ ساله مقطع ابتدایی (سال چهارم تا ششم) شهر تهران در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. حجم نمونه شامل ۲۰۵ دانش‌آموز دختر بود. روش اجرای این نمونه‌گیری بدین ترتیب بود که در ابتدا با مراجعه به ادارات آموزش و پرورش مناطق ۱ و ۲ و ۶ تهران فهرست کامل مدارس ابتدایی دولتی تهیه شد. سپس به صورت تصادفی در هر منطقه ۳ مدرسه دخترانه انتخاب گردید. پس از مراجعه به مدارس و هماهنگی‌های لازم با مدیر آموزشگاه از میان کلاس‌های موجود، یک کلاس انتخاب شد و پس از جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌ها میان آنها توزیع و اجرا گردید. میانگین سنی این تعداد ۱۰/۹ بود. ۳۷/۱ درصد این دانش‌آموزان در پایه چهارم، ۳۴/۱ درصد در پایه پنجم و ۲۸/۸ درصد در پایه ششم مشغول به تحصیل بودند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه مقیاس دلبستگی در کودکی میانه: ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه را در ایران رونقی، دلاور و مظاهری (۱۳۹۲) برای سنجش دلبستگی کودکان ۶-۱۲ ساله انجام داده‌اند. این مقیاس دارای ۲۸ عبارت و به سبک هارتر ساخته شده است. در این سبک جملات به صورت دوتایی ارائه می‌شوند که اولین جمله نشان‌دهنده رفتار ایمن و دومین جمله نشان‌دهنده رفتار اضطرابی یا اجتنابی است. نمره‌هایی که فرد در هر یک از این دو مؤلفه دریافت می‌کند، روی یک نمودار دارای دو محور عمودی (اجتناب) و افقی (اضطراب) قرار گرفته و جای شخص از نظر طقه‌بندی دلبستگی او مشخص می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب ۰/۸۲ و برای اجتناب ۰/۹۰ است. برای تعیین پایایی مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شده است. همبستگی نتایج بین اجرای اول و اجرای مجدد در مؤلفه اضطراب ۰/۵۲ و در مؤلفه اجتناب ۰/۵۶ بوده که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. همچنین نتایج، تأییدکننده روایی همزمان آزمون است. در این پژوهش میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ بود. یک نمونه از عبارت‌های پرسشنامه بدین شرح است: ۱- الف) بعضی‌ها وقتی شب‌ها دور از مادرشان می‌خوانند گریه می‌کنند و می‌ترسند و خواب بد می‌بینند. ب) ولی بعضی‌های دیگر شب‌ها که دور از مادرشان می‌خوانند راحت هستند، خواب بد نمی‌بینند و نمی‌ترسند. ۲- الف) بعضی‌ها نگران

1. Matson Evaluation of Social Skills

2. Matson, Esveldt & Kazdin

3. Ford & Robin questionnaire of social acceptance

پرسشنامه‌های پژوهش از طریق خودگزارش دهی پاسخ داده شدند. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش از طریق تحلیل رگرسیون همزمان با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تحلیل شدند.

یافته‌ها

در جدول ۱ و ۲ نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی مقبولیت اجتماعی و سازگاری اجتماعی ارائه شده است.

حدودی و خیر تنظیم و نمره‌گذاری به صورت ۲، یک و صفر بود. پرسش‌های ۹ و ۱۰ برعکس نمره‌گذاری می‌شود. ضریب آلفای این پرسشنامه ۰/۷۷ و ضریب اعتبار به روش دونیم‌سازی ۰/۶۶ به دست آمد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد. دو نمونه از سؤالات پرسشنامه عبارت است از: ۱- آیا در مرتب کردن وسایل و لباس‌هایت تنبلی می‌کنی؟ ۲- آیا همیشه به حرف والدینت گوش می‌دهی؟

جدول ۱- خلاصه رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی مقبولیت اجتماعی بر اساس سبک‌های دلبستگی

مدل	متغیر پیش‌بین	B	SE	β	T	P
۱	دلبستگی ایمن	۱/۸۵	۰/۰۸۲	۰/۳۶	۶/۳۰	۰/۰۰۱
۲	دلبستگی نایمن	۰/۹۵	۰/۰۶۹	-۰/۱۸	-۲/۹۷	۰/۰۰۱

جدول ۲- خلاصه رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس سبک‌های دلبستگی

مدل	متغیر پیش‌بین	B	SE	β	T	P
۱	دلبستگی ایمن	۱/۳۰	۰/۰۶۰	۰/۲۵	۵/۱۵	۰/۰۰۳
۲	دلبستگی نایمن	-۱/۲۶	۰/۰۳۹	-۰/۱۲	-۳/۰۱	۰/۲۵

سبک‌های دلبستگی در جداول ۱ و ۲ نشان داد که پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی دختران نوجوان از سوی متغیر پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی) معنادار است ($P < ۰/۰۵$ و $P < ۰/۰۰۱$). از سویی ضریب تأثیر سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن بر سازگاری اجتماعی به ترتیب ۱/۳۰ و -۱/۲۶ و در مقبولیت اجتماعی به ترتیب ۱/۸۵ و -۰/۹۵ است که در این میان سبک دلبستگی ایمن به صورت مثبت سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی و سبک دلبستگی نایمن به صورت منفی مقبولیت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند؛ به طوری که با افزایش سبک دلبستگی ایمن سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی افزایش می‌یابد و با افزایش سبک دلبستگی نایمن مقبولیت اجتماعی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان دختر از طریق سبک‌های دلبستگی به اجرا درآمد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده سازگاری اجتماعی بود. به طوری که

در جدول ۱ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که مقبولیت اجتماعی از طریق سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن قابل پیش‌بینی است ($P = ۰/۰۰۱$). میزان واریانس تبیین شده مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان دختر از طریق متغیرهای پیش‌بین $R^2 = ۰/۵۱$ است. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۱ فرضیه ۱ و ۲ پژوهش (سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن قادر به پیش‌بینی مقبولیت اجتماعی هستند) تأیید می‌شود.

در جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که سازگاری اجتماعی از طریق سبک دلبستگی ایمن قابل پیش‌بینی است ($P = ۰/۰۰۳$). میزان واریانس تبیین شده سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر از طریق متغیرهای پیش‌بین $R^2 = ۰/۴۰$ است. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۲ فرضیه ۳ پژوهش (سبک دلبستگی ایمن قادر به پیش‌بینی سازگاری اجتماعی هست) مورد تأیید قرار می‌گیرد، اما فرضیه ۴ پژوهش (سبک دلبستگی نایمن قادر به پیش‌بینی سازگاری اجتماعی است) تأیید نشد ($P = ۰/۲۵$).

نتایج تحلیل رگرسیون همزمان در پیش‌بینی مقبولیت اجتماعی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان از طریق

همانند رشد جسمانی، عاطفی و عقلی یک کمیت پیوسته است و به تدریج به کمال می‌رسد و در طول زندگی و در برخورد با تجربه‌ها حاصل می‌شود و مهمترین نشانه سلامت روان در کودکان و نوجوانان است. آنان با داشتن دلبستگی ایمن و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی، می‌توانند جایگاه خود را در میان مراودات اجتماعی و ارتباط با همسن‌های خود و بزرگسالان پیدا کنند و مورد پذیرش اجتماعی قرار گیرند و موفقیت در امر پذیرش و مقبولیت اجتماعی به سازگاری اجتماعی منجر می‌شود (فریلیچ و شچمن، ۲۰۱۰).

همچنین سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن پیش‌بینی‌کننده مقبولیت اجتماعی بودند. یعنی کودکان با دلبستگی ایمن از مقبولیت اجتماعی بیشتری برخوردارند. این یافته همسو با پژوهش مگنوس و همکاران (۲۰۰۶) بود که در پژوهش خود نشان دادند مقبولیت اجتماعی، تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سبک دلبستگی دوران کودکی و غیره است. کودکان با سازگاری اجتماعی بالا که نشان از دلبستگی ایمن آنهاست، با نشان دادن رفتارهای اجتماعی مناسب و رابطه با همسالان روابط حمایتی را در زمینه‌های مثبت اجتماعی تقویت می‌کنند و از طریق جهت‌گیری‌های مثبت اجتماعی مانند یاری رساندن، سهیم شدن و همکاری، به همسالان خود می‌پیوندند و همسالان ترجیح می‌دهند در امور تحصیلی و اجتماعی از آنان پیروی کنند. در نتیجه کودک از پذیرش، مقبولیت و محبوبیت بالایی برخوردار می‌شود؛ برعکس اگر کودک به شیوه‌ای رفتار کند که از نظر اجتماعی بیگانه یا منحرف است، همسالان آنان را طرد می‌کنند و دارای مقبولیت پایینی در بین همسالان می‌شوند (بندورا، ۱۹۹۹). در پژوهش یارمحمدیان و همکاران (۱۳۸۲) نیز این مطلب مورد تأیید قرار گرفته که کودکان و نوجوانانی که از رشد اجتماعی و سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، عملاً در رفتار خود با سایر همسالان نشان می‌دهند که نحوه برخورد با همسالان خود را می‌دانند.

به استناد نتایج این پژوهش، می‌توان گفت آگاهی از سبک‌های دلبستگی و تمرکز بر ایمن‌سازی روابط والد - کودک به‌ویژه مادر باعث ارتقای عملکرد مادران در امر تربیت کودکان می‌شود و همچنین مشکلات و ناسازگاری‌هایی را که والدین و به‌خصوص مادر در این زمینه با آن روبه‌رو است تعدیل می‌کند که به افزایش اعتماد و احساس امنیت در کودکان منجر می‌شود و از طرفی دیگر با برقراری روابط ایمن با والدین، کودک فرصت کاوش محیط و برقراری ارتباط با سایرین را می‌یابد که از این طریق راهبردهای مقابله سازگار در کودک افزایش

کودکان با سبک دلبستگی ایمن از میزان سازگاری اجتماعی بالاتری نسبت به کودکان با سبک دلبستگی نایمن برخوردارند و مقبولیت اجتماعی بالاتری را دارند.

این یافته با نتایج پژوهش‌های (کویاک و اسکری، ۱۹۸۸؛ رایس و میرزاده، ۲۰۰۰) همسو است که بر اساس آنها افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به افراد نایمن سازگاری بهتری با موقعیت‌های تنش‌زای مختلف داشته‌اند. و نیز با مطالعاتی همسو است که نشان دادند کودکان با سبک دلبستگی نایمن در مقایسه با کودکان ایمن، از سازگاری روانی، اجتماعی و هیجانی کمتر بهره‌مند بوده‌اند (ویونا، ۲۰۰۰؛ لاروس و بویون، ۱۹۹۸؛ روزن اشتاین و هروویتز، ۱۹۹۶).

در تبیین نتایج بالا، طبق مبانی نظری دلبستگی بالبی، دلبستگی ایمن، اساس ایمنی را برای کودکان مهیا می‌سازد که با آن می‌توانند دنیایشان را کشف کنند و پاسخ‌های سازگارانه‌تری به محیط اطرافشان ارائه بدهند (میکولینسر، ۱۹۹۷). دلبستگی ایمن کودک را قادر می‌سازد تا براساس تعامل سازنده با والدین، مهارت‌هایی مانند همکاری، همدلی، تنظیم هیجانات، خودپنداره قوی و اعتماد به نفس لازم را که نقش تسهیل‌کننده در روابط بین فردی دارند، در خود پرورش دهند. بنابراین سازگاری کودک برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های جدید تسهیل می‌شود. هنگامی که در روابط، احساس امنیت وجود داشته باشد، کودکان بهتر می‌توانند دست‌نیاز به‌سوی دیگران دراز کنند تا از آنها حمایت شود و با تعارض و استرس به‌گونه‌ای مثبت روبه‌رو شوند. این‌گونه روابط، شادتر، پایدارتر و سازگارانه‌ترند (آکگون و ملیر، ۲۰۱۵). طبق نظریه دلبستگی، توانایی تکیه بر مظاهر دلبستگی، مهمترین پیامد امنیت دلبستگی است که در کسب تدریجی مهارت‌های تنظیم عواطف و مهارت‌های فردی و اجتماعی کمک می‌کند و این مهارت‌ها با همدیگر شخصیتی سازگار و خودمختار را تشکیل می‌دهند. به این دلیل که از یک‌سو، تعامل با مظاهر دلبستگی که در دسترس و پاسخگوی نیازهای کودک هستند، عملکرد بهینه نظام دلبستگی را تسهیل می‌کند و احساس دلبستگی ایمن را افزایش می‌دهد (میکولینسر و شاور و پرگ، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های دلبستگی نشان داده است که احساس دلبستگی ایمن در سلامتی ذهنی، عزت‌نفس، ادراک مثبت نسبت به دیگران، شناخت و رفتارهای بین فردی و سازگاری‌افزا دخیل است (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸). همچنین، در تبیین تفاوت سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان دارای دلبستگی ایمن و نایمن می‌توان گفت که سازگاری اجتماعی

سموعی، ر.، باقرزاده، ه.، و سبزواری، م. (۱۳۸۴). سنجش پایایی پرسشنامه مقبولیت اجتماعی دانش‌آموزان دبستانی شهر اصفهان. *دوماهنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۲(۱ و ۲)، ۱۲-۶. شاملو، س. (۱۳۸۴). *مکتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*. چاپ سیزدهم، تهران: رشد.

صالح صدق‌پور، ب.، محمودیان، م.، و سلیمانان، ح. ر. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش آموزه‌های قرآن بر بهبود پذیرش اجتماعی. *فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ۲(۱)، ۲۶-۱۷.

مظاهری، الف.، باغبان، ا.، و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی عزت نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان. *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار و دانشگاه شاهد*، ۱۶، ۵۶-۴۹.

یارمحمدیان، م. ح.، مولوی، ح.، و ایرانپور مبارکه، الف. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین دوستی‌های دوجانبه، پذیرش همسالان، خودپنداره، سازگاری اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی شهر اصفهان. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۴(۲)، ۲۲-۷.

یوسفی، ف.، و خیر، م. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستان در این مقیاس. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۸(۲)، ۱۵۸-۱۴۷.

Akgun, E., & Mellier, D. (2015). The Evaluation of Social Competence and Internalizing & Externalizing Problem Behaviors of French and Turkish Children by their Attachment Representations. *Anthropologist*, 20(1, 2), 13-21.

Allen, D., Timmer, S. G., & Urquzia. (2014). Parent-Child interaction therapy as an attachment-based intervention: Theoretical rationale and pilot date with adopted children. *Children and Youth services review*, 47, 334-341.

Bandura, A. (1999). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *psychological Review*, 84, 191-215.

Bergin, C., & Bergin, D. (2009). Attachment in the Classroom. *Educational Psychology Review*, 21, 141-170.

Bowlby, J. (1983). *Attachment and loss*. New York: basic books.

Cartledge, G., & Milburn, G. F. (1985). *Teaching social skills to children*. Mashhad: Astan Ghods Razavi.

Cassidy, J. (2008). *The nature of the child's ties*. New York: Guilford Press.

Cassidy, J., & Shaver, P.R. (2008). *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*. New York: Guilford Press.

می‌یابد. همچنین باعث می‌شود ناسازگاری در دیگر مراحل رشد کاهش یابد که به سازگاری بیشتر او با محیط که مدرسه نیز یکی از آنها است، منجر می‌شود که در نهایت مقبولیت اجتماعی بیشتر را هم به دنبال دارد.

امید است مسئولان آموزشی و تربیتی کشور تلاش بیشتر برای و فراهم آوردن بستر لازم و مداخله‌های متناسب، به منظور آگاه‌سازی والدین از روابط دلبستگی و سبک‌های دلبستگی متفاوت و اثربخشی آن در بهبود سازگاری و مقبولیت اجتماعی فرزندان، مبذول دارند. این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. از جمله اینکه نمونه مورد پژوهش محدود به دختران و فراگیران یک مقطع تحصیلی خاص بود، بنابراین نمی‌توان این نتایج را با قاطعیت به سایر دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی دیگر تعمیم داد. پاسخگویی به پرسشنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش، با توجه به سن دانش‌آموزان، نیاز به وقت و حوصله زیادی داشت که این مسأله هم بر پاسخ‌دهی صحیح دانش‌آموزان و هم همکاری مدارس تأثیر داشت. بنابراین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی گروه‌های سنی مختلف کودکان انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از برنامه آموزش دلبستگی محور برای والدین و اثربخشی آن بر تحول و ارتقای سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی فرزندان استفاده گردد.

منابع

آذین، الف.، و موسوی، س. م. (۱۳۹۰). بررسی نقش عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان فریدونشهر، سال ۱۳۸۸. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۱)، ۲۰۰-۱۸۳.

امانی، ر.، اعتمادی، ع.، فاتحی‌زاده، م.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۱). رابطه میان سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی. *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار و دانشگاه شاهد*، ۱۶(۱)، ۲۶-۱۵.

دادستان، پ.، عسکری، ع.، رحیم‌زاده، س.، و بیات، م. (۱۳۸۹). مهارت‌های اجتماعی - هیجانی کودکان پیش از دبستان: یک مقایسه جمعیت‌شناختی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۱، ۴۴-۲۷.

روشه، گ. (۱۳۸۷). *کنش اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی‌زاده. تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۲).

رونقی، س.، دلاور، ع.، و مظاهری، م. ع. (۱۳۹۲). ساخت اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۱)، ۹۵-۷۸.

سادوک بنیامین، ج.، و سادوک ویرجینی، ا. (۱۳۸۹). *خلاصه روانپزشکی، رفتاری و روانپزشکی بالینی* (ترجمه فرزین، رضاعی). تهران: انتشارات ارجمند. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۷).

- Cassidy, J., Jones, J., & Shaver, P.R. (2013). Contributions of attachment theory and research: A framework for future research, translation and policy. *Development and Psychopathology*, 25, 1415-1434.
- Ekeh, P. U. (2012). Children's Attachment styles, Academic achievement and social competence at early childhood. *An International Multidisciplinary Journal Ethiopia*, 6(4), 335-348.
- Freilich, R., & Shechtman, Z. (2010). The contribution of art therapy to the social, emotional, and academic Adjustment of children with learning disabilities. *The Arts Psychotherapy*, 37, 97-105.
- Kobak, R. R., & Sceery, A. (1988). Attachment in late adolescence: Working models, affect regulation, and representations of self and others. *Child Development*, 59, 135-146.
- Larose, S., & Boivin, M. (1998). Attachment to parents, social support expectations, and socioemotional adjustment during the high school/college transition. *Journal of Research on Adolescence*, 8, 1-27.
- Leary, M. L., & Hoyle, R. H. (2009). Handbook of individual differences in social behavior. Available from <http://books.google.com>.
- Magnus, J., Viswesvaran, C.H., & Joseph, J. (2006). Social desirability: the role of over-claiming, self-esteem, and emotional intelligence. *Psychology Science*, 48(3), 336-356.
- Matson, J.L., Esveldt-Dawson, K., & Kazdin, A.E. (1983). Validation of methods for assessing social skills in children. *Journal of Clinical Child Psychology*, 12(2): 174-180.
- Mikulincer, M. (1997). Adult attachment style and informati processing: Individual differences in curiosity and cognitive closure. *Journal of personality and Social psychology*, 72, 1217- 1230.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Pereg, D. (2003). Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment- related strategies. *Motivation and Emotion*, 27, 77-102.
- Ragozzino, R. L. (2009). A study of social desirability and self-esteem. *37th Annual wester pennsylvania undergraduated psychology conference*.
- Rice, K. G., & Mirzadeh, S. A. (2000). Perfectionism, attachment, and adjustment. *Journal counseling psychology*, 47(2), 238-250.
- Rosenstain, D.S., & Horowitz, H. A. (1996). Adolescent attachment and psychopathology. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 64, 244-253.
- Shroeder, C. S., & Gordon, B. N. (2005). *Assessment and treatment of childhood problems: A clinician's guide*. Tehran: Danjeh.
- Vanwagner, K. (2008). Attachment theory. Available online at: <http://www.psychologyAbout.Com>.
- Vivona, J. (2000). Parental attachment styles of late adolescents: Qualities of attachment relationships and consequences for adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 316-329.